

Akhlaq-i zistī

i.e., Bioethics Journal

2023; 13(38): e5

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

A Structural Model to Explain Grandiose Narcissism and Vulnerable Narcissism in Men and Women Based on Objectified Body Consciousness and Psychological Capitals with Mediating Role of Self-Esteem

Sara Ramezani Solegani¹ , Reza Johari Fard^{1*} , Sasan Bavi¹

1. Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The aim of this study was to present a structural model to explain grandiose narcissism and vulnerable narcissism in men and women based on objectified body consciousness and psychological capitals with mediating role of self-esteem.

Methods: The present study was a correctional-discriptive based on a structural equation model. The statistical population of this study included all men and women over 18 years of age in Ahvaz and 309 of them were randomly selected and tested by available sampling method through social networks. Instruments which were used to collect data were demographic questionnaire, Pathological Narcissism Inventory (PNI), Objectified Body Consciousness Scale (OBC), Luthans Psychological Capital Scale (LPCS) and Rosenberg Self-esteem Inventory (RSES). Data analysis was performed using SPSS 24 and Amos 24.

Ethical Considerations: In the present study, ethical principles such as confidentiality of information were observed and there was no possible harm to the subjects.

Results: Results revealed that there was a significant relationship between Objectified Body consciousness with Grandiose Narcissism and Vulnerable Narcissism in women. The results of these variables in men were not significant. Objectified body consciousness and psychological capitals with self-esteem was significant for both men and women. Furthermore, Psychological capitals with grandiose narcissism and vulnerable narcissism was significant in men; in women, Psychological capitals only were significant with vulnerable narcissism ($p < 0.01$). Among indirect path, Self-esteem could significantly play a mediating role for Objectified body consciousness and psychological capitals with grandiose narcissism and vulnerable narcissism in men. In women, the only significant indirect path was between self-esteem with vulnerable narcissism.

Conclusion: Gender significantly moderated the causal effect of self-esteem on vulnerable narcissism, so that self-esteem in men has a stronger causal effect on vulnerable narcissism. These results can be used by clinical psychotherapists and psychiatrists in therapy with clients who suffer from narcissist personality disorder and related disorders to body image. As regards self-objectification can be led to narcissism and lower levels of self-esteem in individuals, therefore it is recommended that Psychologists and health experts care more about variables which were mentioned.

Keywords: Narcissism; Body; Psychological Capitals; Self-Esteem; Gender

Corresponding Author: Reza Johari Fard; **Email:** rjoharifard@gmail.com

Received: September 19, 2022; **Accepted:** November 16, 2022; **Published Online:** May 23, 2023

Please cite this article as:

Ramezani Solegani S, Johari Fard R, Bavi S. A Structural Model to Explain Grandiose Narcissism and Vulnerable Narcissism in Men and Women Based on Objectified Body Consciousness and Psychological Capitals with Mediating Role of Self-Esteem. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e5.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره سیزدهم، شماره سی و هشتم، ۱۴۰۲

الگوی ساختاری خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر بر اساس آگاهی از

تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با میانجیگری عزت نفس در زنان و مردان

سارا رضانی سولگانی^۱، رضا جوهری فرد^{۱*}، ساسان باوی^۱

۱. گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی ساختاری خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر بر اساس آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با میانجیگری عزت نفس در زنان و مردان بود.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - همبستگی از نوع معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بود و به روش نمونه‌گیری در دسترس از طریق شبکه‌های اجتماعی ۳۰۹ تن از آنان انتخاب شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه جمعیت‌شناختی، سیاهه خودشیفتگی مرضی (PNI)، مقیاس آگاهی از تن‌شی‌انگاری (OBC)، مقیاس سرمایه‌های روان‌شناختی لوتانز (LPCS) و مقیاس عزت نفس روزنبرگ (RSES) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS 24 و AMOS 24 صورت گرفت.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر اصول اخلاقی، از جمله رازداری و محرمانه‌ماندن اطلاعات، رعایت شده و هیچ‌گونه آسیب احتمالی برای آزمودنی‌ها نداشته است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر در زنان معنادار، اما در مردان معنادار نشد و آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با عزت نفس در زنان و مردان معنادار شد. سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر در مردان معنادار، اما در زنان تنها مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی آسیب‌پذیر معنادار شد ($P < 0/01$). در بین مسیرهای غیر مستقیم عزت نفس به طور معناداری می‌تواند همبستگی آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر در مردان را میانجی کند، اما در زنان تنها مسیر غیر مستقیم عزت نفس به خودشیفتگی آسیب‌پذیر معنادار شد.

نتیجه‌گیری: جنسیت اثر علی عزت نفس بر خودشیفتگی آسیب‌پذیر را به طور معنی‌داری تعدیل کرد، بدین صورت که عزت نفس در مردان اثر علی نیرومندتری بر خودشیفتگی آسیب‌پذیر دارد. این نتایج می‌تواند برای متخصصان بالینی و روان‌پزشکان در درمان اختلال شخصیت خودشیفته و اختلالات مرتبط به تصویر بدن تلویحات کاربردی داشته باشد. با امان نظر به اینکه تن‌شی‌انگاری می‌تواند منجر به خودشیفتگی و کاهش عزت نفس در افراد شود لذا پیشنهاد می‌شود که روان‌شناسان و متخصصان در حوزه سلامت به نقش و روابط موجود بین این متغیرها توجه داشته باشند.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی؛ تن؛ سرمایه‌های روان‌شناختی؛ عزت نفس؛ جنسیت

نویسنده مسئول: رضا جوهری فرد؛ پست الکترونیک: rjoharifard@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

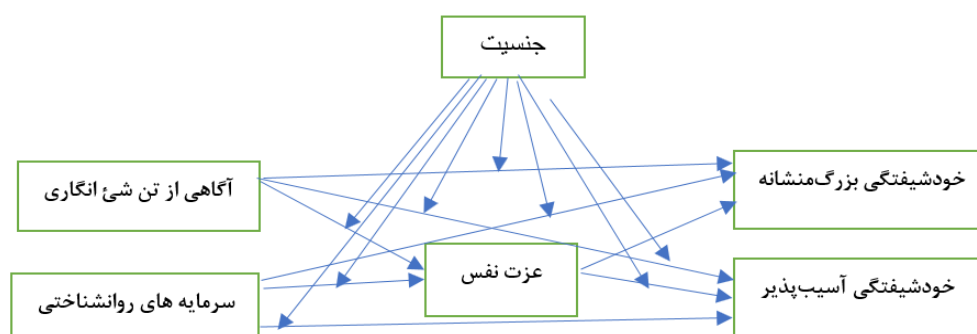
Ramezani Solegani S, Johari Fard R, Bavi S. A Structural Model to Explain Grandiose Narcissism and Vulnerable Narcissism in Men and Women Based on Objectified Body Consciousness and Psychological Capitals with Mediating Role of Self-Esteem. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2023; 13(38): e5.

خودشیفتگی (Narcissism) به عنوان یک سازه بالینی نخست در سال ۱۸۹۸ مورد توجه فروید و الیس (Ellis & Freud) (۱۹۱۴ م.) قرار گرفت، پس از آن کرنبرگ (Kernberg) (۱۹۶۷ م.) و کوهات (Kohut) (۱۹۶۸ م.) این دیدگاه بالینی در مورد خودشیفتگی را مداومت دادند (۱). اختلال شخصیت خودشیفته (Narcissistic Personality Disorder) بر اساس تعریف پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder (DSM-5))، عبارت است از الگوی نافذی از خودبزرگ‌بینی (در عالم خیال یا رفتار)، نیاز به تحسین و فقدان همدلی که از اوایل بزرگسالی آغاز شده و در زمینه‌های مختلف به چشم می‌خورد (۲). با گسترش شناخت در عرصه خودشیفتگی مشخص شد که آسیب‌شناختی خودشیفتگی ساختار واحدی ندارد و حداقل ۲ فنوتیپ از تظاهرات آن دیده می‌شود: خودشیفتگی بزرگ‌منشانه (Grandiose Narcissism) و خودشیفتگی آسیب‌پذیر (Vulnerable Narcissism) (۳). اولین بار در سال ۱۹۹۱ تمایز این ۲ فنوتیپ را وینک (Wink) (۴)، در مقاله «دو چهره خودشیفتگی» (Two Faces of Narcissism) به چاپ رساند. خودشیفتگی بزرگ‌منشانه با ویژگی‌هایی چون غرور و احساس استحقاق (Entitlement)، اشتغال ذهنی با خیال بافی‌های بزرگ‌منشانه، بهره‌کشی از دیگران، فقدان همدلی، خصومت و نمایشگری (Exhibitionism) دیده می‌شود؛ در مقابل خودشیفتگی آسیب‌پذیر به صورت تجربه احساس درماندگی، خودپنداره منفی، احساس شرم، پوچی، حساسیت شدید نسبت به طرد و انتقاد و اجتناب از روابط بین فردی به دلیل ناکامی در ارضای نیاز شدید فرد به تحسین و تأیید توصیف می‌شود (۵). دیکینسون و پینکاس (Dickinson & Pincus) در پژوهش‌های خود نشان دادند که خودشیفته‌های با ویژگی بزرگ‌منشانه در ملاک‌های تشخیصی اختلال‌های شخصیت خودشیفته، ضد اجتماعی (APD: Antisocial Personality Disorder)

HPD: Histrionic Personality) و نمایشی (Disorder) نمرات بالایی به دست آوردند، این در حالیست که خودشیفته‌های آسیب‌پذیر در ملاک‌های اختلال شخصیت اجتنابی (AVPD: Avoidant Personality Disorder) نمرات بالاتری کسب نمودند (۶). یکی از موضوعات جذاب و بحث‌برانگیزی که در مطالعات اخیر با خودشیفتگی در ارتباط بوده، آگاهی از تن‌شی‌انگاری (OBC: Objectified Body Consciousness) است (۸-۷). نظریه شی‌انگاری (Objectification Theory) را اولین بار فردریکسون و رابرتز (Fredrickson & Roberts) به عنوان تبیین اهمیت ظاهر و نارضایتی از تصویر بدنی برای زنان مطرح کردند (۹)؛ خود شی‌انگاری (Self-Objectification) زمانی رخ می‌دهد که زنان تن خود را همانند یک شی در نظر دارند که برای لذت دیگران می‌باشد (۱۰) و به موجب آن ظاهر خویش را محور خودپنداره قرار داده و مدام ظاهر خویش را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (۱۱). مک کینلی و هاید (McKinley & Hyde) ۳ مؤلفه اصلی از آگاهی از تن‌شی‌انگاری را عملیاتی کردند؛ نظارت بر بدن (Body Surveillance)؛ یک تفکر مداوم و نظارت بر خود را به صورت دائم و با فرض یک دیدگاه ناظر خارجی به منظور تطبیق با استانداردهای بدنه فرهنگی و جلوگیری از قضاوت‌های منفی در مورد فرد ارائه می‌نماید. اصطلاح شرم از بدن (Body Shame) نیز ناشی از مقایسه با استانداردهای فرهنگی و تصور عدم موفقیت در برآورده‌نمودن این استانداردها می‌باشد. در نهایت، باورهای کنترل ظاهر (Appearance Control Beliefs)، به آن دسته از باورهایی اشاره می‌کند که افراد، مسئول نگاه بدنی آن‌ها هستند و با تلاش کافی، می‌توان ظاهر جسمی آن‌ها را کنترل کرد (۱۲). پژوهشگران نشان دادند که بین خودشیفتگی با خودشی‌انگاری و مؤلفه‌های آن رابطه وجود دارد (۱۵-۱۳)، به خصوص در زنان با خودشیفتگی آسیب‌پذیر رابطه معناداری با شرم از بدن دیده می‌شود (۱۶). پژوهش داخلی دیگر نیز نشان داد که تمام زیرمقیاس‌های خودشی‌انگاری، خودشیفتگی آسیب‌پذیر را پیش‌بینی می‌کند و شرم از بدن نیز به طور ضعیفی خودشیفتگی، بزرگ‌منشانه را پیش‌بینی می‌کند (۱۷).

همچنین رمضانی، جوهری فرد و باوی در پژوهش خود نشان دادند که آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی مرضی در گروه زنان رابطه معنادار و مثبت دارد، اما در گروه مردان معنادار نشد (۱۸). با این حال، تعداد روزافزونی از مطالعات انجام‌شده، این موضوع را به صورت برجسته بیان نموده‌اند که خود‌شی‌انگاری و باورهای متعاقب آن توسط مردان نیز به ویژه در دوره نوجوانی تجربه می‌شود (۱۹). از ابعاد کمتر مورد مطالعه قرارگرفته در قیاس با خودشیفتگی می‌توان به سرمایه‌های روان‌شناختی اشاره کرد، سرمایه‌های روان‌شناختی (Psychological Capitals)، در روان‌شناسی مثبت نگر ریشه دارد و این موضوع را مطرح می‌کند که انسان انرژی عقلانی خود را باید در جنبه‌های مثبت تجربه‌های خویش به کار گیرد (۲۰-۲۱). این مفهوم اولین بار توسط لوتانز و آوولیو (Luthans & Avolio) که متشکل از ۴ منبع روان‌شناختی مثبت، امیدواری (Hopefulness)، خوشبینی (Optimism)، تاب‌آوری (Resilience) و خودکارآمدی (Self-Efficacy) می‌باشد، مطرح شد (۲۰). شواهد حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی با سرمایه‌های روان‌شناختی دارای رابطه هستند (۲۲). نتایج پژوهش Sabir و همکاران نشان داد که اختلال شخصیت خودشیفتگی ارتباط منفی و معناداری با سرمایه روان‌شناختی دارد (۲۳). ارخوتلو (Erkutlu) نیز در پژوهش خود اثر تعدیل‌کننده سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی را نشان داد (۲۴). همچنین در پژوهش داخلی دیگر نیز نشان داده شد که شخصیت خودشیفته به طور مستقیم و غیر مستقیم موجب تضعیف سرمایه روان‌شناختی در افراد می‌شود (۲۵). از دیگر مباحث مهم در شخصیت خودشیفته، مؤلفه‌های روان‌شناختی مربوط به مفهوم «خود» (Self) که مهم‌ترین آن عزت نفس (Self-Esteem) می‌باشد، است؛ روزنبرگ (Rosenberg) عزت نفس را نگرش منفی یا مثبت افراد درباره خود تعریف می‌کند (۲۶). پژوهش‌ها نشان دادند که بین خودشیفتگی آسیب‌پذیر و کاهش عزت نفس رابطه وجود دارد (۱، ۲۷). پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری و زیرمقیاس‌های آن با عزت نفس

رابطه وجود دارد (۳۱-۲۸). همچنین رابطه مثبت و معناداری بین عزت نفس و سرمایه‌های روان‌شناختی وجود دارد (۳۲). به طور خلاصه می‌توان گفت زمینه‌های پژوهش در مورد خودشیفتگی، خودشی‌انگاری و عزت نفس با یکدیگر مرتبط هستند و در حال تکامل یکدیگر می‌باشند و تنها تعداد اندکی از مطالعات، سرمایه‌های روان‌شناختی را با خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منشانه مورد بررسی قرار داده است. همچنین یک جنبه کمتر مورد مطالعه قرار گرفته، به خصوص در جامعه مردان در زمینه خودشی‌انگاری است که اخیراً مطالعات محدودی در این باره مطرح شده است (۷)، در حالی که در جامع مردان ایرانی پژوهشی در زمینه خودشی‌انگاری انجام نشده است. در قرن حاضر ارج نهادن خودشیفتگی انسان و خودشی‌انگاری، به طور غیر معمول نحوه زندگی را متحول کرده است. مطالعات داخلی پژوهشی که این متغیرها را در کنار هم بررسی کند، تاکنون انجام نشده است. با توجه به پیشینه فوق، به دلیل کمبود پژوهش‌ها و نتایج بحث برانگیز و همچنین تفاوت‌های کشف‌نشده مربوط به جنسیت افراد، برای روشن‌شدن روابط بین متغیر موجود، اجرای پژوهش‌های جدید ضروری می‌باشد، لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین الگوی ساختاری خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر بر اساس آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با میانجیگری عزت نفس در زنان و مردان انجام خواهد شد. بنابراین به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی منجر به خودشیفتگی آسیب‌پذیر و خودشیفتگی بزرگ‌منشانه می‌شود؟ و این که آیا فرایندهای واسطه‌ای این رخداد احتمالاً می‌تواند عزت نفس باشد؟ این الگو بر پایه نظریات و یافته‌های پژوهشی که به برخی از آنان اشاره شد، برای اولین بار در این پژوهش تدوین و معرفی خواهد شد و اعتبار این الگو از واسطه در مورد گروه‌های زن و مرد، مورد ارزیابی و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد که الگوی مفهومی آن در شکل ۱ به نمایش درآمده است.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و به روش توصیفی - همبستگی از نوع معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری شامل همه زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر اهواز در سال ۱۴۰۰ بودند. در خصوص تعداد نمونه جهت آزمون الگوی پیشنهادی و فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ها شامل ۳۰۰ آزمودنی (۱۵۰ مرد و ۱۵۰ زن) برای هر گروه پیشنهاد بود که به صورت نمونه‌گیری در دسترس از طریق شبکه‌های اجتماعی بر اساس جدول مورگان انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین در شبکه‌های اجتماعی از قبیل اینستاگرام، واتساپ و تلگرام به اشتراک گذاشته شدند. به این ترتیب ۳۲۴ شرکت‌کننده (۱۶۴ زن و ۱۶۰ مرد) به پرسشنامه‌های آنلاین پاسخ دادند که بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص و داده‌های پرت تک‌متغیری، چندمتغیری و روابط پرت، تعداد پرسشنامه‌های باقی‌مانده بر روی ۳۰۹ شرکت‌کننده (۱۵۷ زن و ۱۵۲ مرد)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شاخص‌های توان آزمون و برازش الگو نشان‌دهنده کفایت تعداد نمونه بود. ملاک‌های ورود عبارت بودند از داشتن حداقل ۱۸ سال سن، استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن جهت درک و پاسخگویی به سؤالات و رضایت آگاهانه نسبت به مشارکت در پژوهش. پاسخ‌نندگان به هر کدام از پرسش‌ها نیز به عنوان ملاک خروج در نظر گرفته شد. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های زیر بود:

۱. سیاهه خودشیفتگی مرضی (NPI: Pathological)

Narcissism Inventory: این مقیاس توسط ینکاس و همکاران در سال ۲۰۰۹ طراحی شد (۳۳). این مقیاس خودگزارشی دارای ۵۲ سؤال است که بر اساس طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از «اینطوری نیستم = صفر» تا «خیلی زیاد اینطوری هستم = ۵» نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار دارای ۷ خرده‌مقیاس است که مشتمل است بر: عزت نفس مشروط (Contingent Self-Esteem) با ۱۲ سؤال (۲، ۵، ۸، ۱۶، ۱۹، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸)، بهره‌کشی (Exploitativeness) با ۵ سؤال (۴، ۱۰، ۱۵، ۲۳، ۳۵)، خودفرونی فداکارانه (Self-Sacrificing Self-Enhancement) با ۶ سؤال (۶، ۲۲، ۲۵، ۳۳، ۳۹، ۴۳)، پنهان‌سازی خود (Hiding the Self) با ۷ سؤال (۷، ۹، ۱۳، ۲۸، ۴۴، ۴۶، ۵۰)، خیال‌پردازی بزرگ (Grandiose Fantasy) با ۷ سؤال (۱، ۱۴، ۲۶، ۳۱، ۴۲، ۴۵، ۴۹)، بی‌ارزش‌سازی (Devaluing) با ۷ سؤال (۳، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۴، ۵۱) و خشم حق‌طلبانه (Entitlement Rage) با ۸ سؤال (۱۱، ۱۲، ۱۸، ۲۰، ۲۹، ۳۷، ۳۸، ۵۲). این ۷ خرده‌مقیاس در ۲ بعد سطح بالاتر خودشیفتگی بزرگ‌منشانه (Grandiosity Narcissism) با خرده‌مقیاس‌های خیال‌پردازی بزرگ، بهره‌کشی و خودفرونی فداکارانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر (Vulnerability Narcissism) با خرده‌مقیاس‌های عزت نفس مشروط، پنهان‌سازی خود، بی‌ارزش‌سازی و خشم

حق‌طلبانه، قرار می‌گیرند که همگی این ابعاد تحت عنوان خودشیفتگی مرضی مشخص می‌شوند. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار صفر و ۲۶۰ می‌باشد، نمره بالاتر نشان‌دهنده خودشیفتگی مرضی می‌باشد؛ و ابزار سطح‌بندی ندارد.

در پژوهشی که در دانشگاه ایتالیا انجام شد، روایی و پایایی برای زیرمقیاس‌های فوق بسیار خوب بودند و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ از ۰/۷۶ (بهره‌کشی) تا ۰/۹۲ (عزت نفس مشروط) متغیر بود. همچنین برای خودشیفتگی بزرگ‌منشانه ۰/۶۶ و خودشیفتگی آسیب‌پذیر ۰/۸۳ بود (۷). ترشایی و همکاران نسخه ایرانی روایی ملاک برای «سیاهه خودشیفتگی مرضی» را به روش تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم ارزیابی کردند. تحلیل عاملی مرتبه اول، ۷ عامل تأیید شد و تحلیل عاملی دوم، بر روی دو بعد کلی خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر تأیید شد. همچنین پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ را برای تمامی زیرمقیاس‌ها به ترتیب عزت نفس مشروط ۰/۹۲، بهره‌کشی ۰/۷۷، خودفزونی فداکارانه ۰/۸۶، پنهان‌سازی خود ۰/۷۸، خیال‌پردازی بزرگ ۰/۹۰، بی‌ارزش‌سازی ۰/۸۴، خشم حق‌طلبانه ۰/۸۴ و برای کل سیاهه خودشیفتگی مرضی ۰/۹۵ به دست آوردند (۳۴). پایایی مقیاس فوق به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در پژوهش حاضر برای خودشیفتگی بزرگ‌منشانه ۰/۸۸ و خودشیفتگی آسیب‌پذیر ۰/۹۴ بود.

۲. مقیاس آگاهی از تن‌شی‌انگاری (OBCS: Objectified Body Consciousness Scale): این

مقیاس را مک کینلی و هاید بر اساس نظریه فردریکسون و رابرتز برای سنجش سازه تن‌شی‌انگاری تدوین کردند. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و شامل ۳ زیرمقیاس نظارت بر بدن با ۸ سؤال (۱ الی ۸)، شرم از بدن با ۸ سؤال (۹ الی ۱۶) و باورهای کنترل ظاهر با ۸ سؤال (۱۷ الی ۲۴) است و سؤال‌های (۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴) معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس بر اساس لیکرت ۷ درجه‌ای از «کاملاً موافقم» = ۱ تا «کاملاً مخالفم» =

۷ تنظیم شده است. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار ۲۴ و ۱۶۸ می‌باشد و نمره بالا در هر کدام از زیرمقیاس‌ها نشان‌دهنده میزان بالای تن‌شی‌انگاری است؛ و ابزار سطح‌بندی ندارد. طبق مطالعه مک کینلی و هاید روایی ملاک به روش همزمان از طریق همبستگی «مقیاس آگاهی از تن‌شی‌انگاری» با «مقیاس عزت بدن (Body Esteem Scale)» ۰/۹۳ بود، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای زیرمقیاس‌های نظارت بدنی، شرم بدنی و کنترل ظاهر بدن به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش شده است (۱۲). در پژوهش داخلی، روایی سازه «مقیاس آگاهی از تن‌شی‌انگاری» به روش تحلیل عاملی، ۳ عامل تحلیل شد و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای زیرمقیاس‌های مذکور به ترتیب نظارت بدنی ۰/۷۶، شرم بدنی ۰/۷۰ و کنترل ظاهر بدن ۰/۶۸ و برای نمره کل مقیاس ۰/۷۵ گزارش کردند (۳۵). پایایی مقیاس فوق به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۶۷ بود.

۳. مقیاس سرمایه روان‌شناختی لوتانز (PCQ: Luthans Psychological Capital Scale): مقیاس

سرمایه روان‌شناختی، توسط لوتانز در سال ۲۰۰۷ طراحی شده است. این مقیاس دارای ۲۴ سؤال و شامل ۴ زیرمقیاس خودکارآمدی با ۶ سؤال (۱ الی ۶)، امیدواری با ۶ سؤال (۷ الی ۱۲)، تاب‌آوری با ۶ سؤال (۱۳ الی ۱۸) و خوش‌بینی با ۶ سؤال (۱۸ الی ۲۴) می‌باشد. بر اساس لیکرت ۶ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» = ۱ تا «کاملاً موافقم» = ۶ تنظیم گردیده است، حداقل و حداکثر نمره در این ابزار ۲۴ و ۱۴۴ می‌باشد. نمره بین ۲۴ تا ۴۰ میزان سرمایه روان‌شناختی در حد پایین، نمره بین ۴۰ تا ۸۰ میزان سرمایه روان‌شناختی در حد متوسط و نمره بالاتر از ۸۰ میزان سرمایه روان‌شناختی در حد بالا را نشان می‌دهد. در پژوهش لوتانز و همکاران، روایی ملاک به روش تحلیل عاملی و ۴ عامل تأیید شد. همچنین پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای مقیاس فوق ۰/۸۹ و ۰/۸۸ گزارش شده است (۲۰). در

آزمون و نظرسنجی به کار برده می‌شود) طراحی شده بودند و به همراه فرم رضایت آگاهانه در اختیار قرار گرفتند؛ تکمیل پرسشنامه‌ها ۲۰ تا ۳۰ دقیقه زمان می‌برد و جمع‌آوری داده‌ها به مدت ۳ ماه در تابستان سال ۱۴۰۰ به طول انجامید و به شیوه الکترونیکی انجام شد به این صورت که لینک پرسشنامه در شبکه‌های اجتماعی اشتراک‌گذاری گردید.

تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی شاخص‌های پراکندگی فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار گزارش شدند و در بخش تحلیل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، شاخص‌های برازش و آزمون بوت استرپ استفاده شد. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزارهای SPSS 24 و Amos 24 انجام گردید.

یافته‌ها

در این مطالعه ۱۵۲ مرد و ۱۵۷ زن حضور داشتند. از نظر وضعیت تأهل، در گروه زنان ۸۸ نفر (۵۶/۱ درصد) مجرد و ۶۹ نفر (۴۳/۹ درصد) متأهل بودند و در گروه مردان ۷۸ نفر (۵۱/۳ درصد) مجرد و ۷۴ نفر (۴۸/۷ درصد) متأهل حضور داشتند. از نظر دوره سنی، در گروه زنان ۳۲ نفر (۲۰/۴ درصد) در دامنه ۱۸-۲۵ سال، ۷۱ نفر (۴۵/۲ درصد) در دامنه ۲۶-۳۵ سال، ۴۰ نفر (۲۵/۵ درصد) در دامنه ۳۶-۴۵ سال و ۱۴ نفر (۸/۹ درصد) در دامنه ۴۶-۵۵ سال قرار داشتند و در گروه مردان ۳۹ نفر (۲۵/۷ درصد) در گروه ۱۸-۲۵ سال، ۴۶ نفر (۲۹/۳ درصد) در گروه ۲۶-۳۵ سال، ۵۱ نفر (۳۳/۶ درصد) در گروه ۳۶-۴۵ سال و ۱۶ نفر (۱۰/۵ درصد) در گروه ۴۶-۵۵ سال قرار داشتند. یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی میان متغیرها در جدول ۱ گزارش شده است.

پژوهش توکلی و همکاران (۱۳۹۵ ش.) پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس فوق ۰/۸۶ محاسبه گردید (۲۱). پایایی مقیاس فوق به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۸ بود.

۴. مقیاس عزت نفس روزنبرگ (SES: Rosenberg)

(Self-Esteem Inventory): مقیاس عزت نفس روزنبرگ برای اندازه‌گیری عزت نفس تهیه شده که یکی از پراستفاده‌ترین مقیاس‌ها در این زمینه بوده و شامل ۱۰ سؤال است که ۵ سؤال آن به شکل مثبت و ۵ سؤال دیگر به صورت منفی ارائه شده است (پاسخ‌های مربوط به سؤالات منفی معکوس می‌گردند). این مقیاس بر اساس لیکرت ۵ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم = ۱» تا «کاملاً موافقم = ۵» تنظیم گردیده است. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار ۱۰ و ۵۰ می‌باشد، نقطه برش در این ابزار ۳۰ و نمره بالاتر نشان‌دهنده عزت نفس بالاتر می‌باشد (۲۶). در پژوهش هویس، وینگرهوتز و دنولت (Huis, Vingerhoets & Denollet) روایی ملاک و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۱ به دست آمده است (۳۶). در پژوهش شکرانه و همکاران (۱۳۹۹ ش.) پایایی بازآزمایی بررسی شد و ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون به فاصله دو هفته، ۰/۷۶ و همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد (۳۷). پایایی مقیاس فوق به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۷ بود.

به منظور جمع‌آوری داده‌ها، کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز دریافت شد. به دلیل اپیدمی کرونا نمونه‌گیری و تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین و از طریق شبکه‌های اجتماعی از قبیل اینستاگرام، واتساپ و تلگرام به اشتراک گذاشته شدند، به همین منظور سؤالات پرسشنامه‌ها در سامانه گوگل فرم (سامانه‌ای که برای طراحی

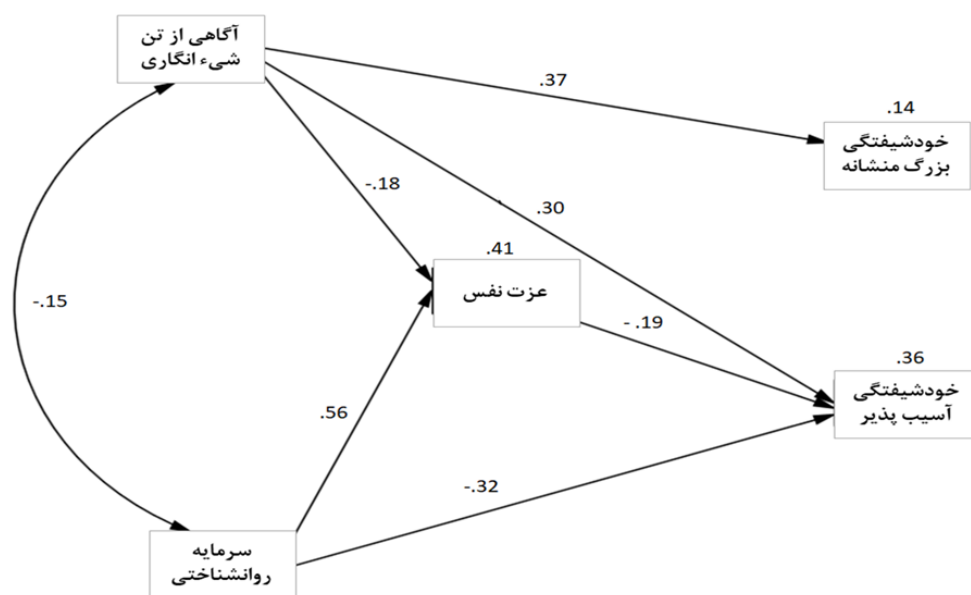
جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و همبستگی میان متغیرها در گروه زنان و مردان

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	ضرایب همبستگی	۴	۳	۲	۱
خودشیفتگی	زن ۴۰/۵۹	۱۴/۷۱	۰/۱۲	-۰/۴۷					
بزرگ‌منشانه	مرد ۴۷/۸۱	۱۴/۳۷	۰/۳۱	۰/۳۵					
خودشیفتگی	زن ۶۴/۳۸	۲۷/۱۹	۰/۴۸	۰/۰۵	۰/۶۹**				
آسیب‌پذیر	مرد ۷۶/۹۹	۲۷/۹۱	-۰/۴۶	۰/۱۲	۰/۶۷**				
عزت نفس	زن ۳۸/۸۳	۷/۰۷	-۰/۴۶	-۰/۵۱	-۰/۲۲**	-۰/۵۲**			
	مرد ۳۷/۴۱	۶/۸۴	-۰/۶۳	۰/۱۵	-۰/۵۲**	-۰/۵۶**			
آگاهی از	زن ۹۲/۶۵	۱۴/۲۳	۰/۰۵	-۰/۸۵	۰/۳۷**	۰/۳۹**	-۰/۲۶**		
تن‌شی‌انگاری	مرد ۹۰/۷۳	۱۱/۸۵	۰/۱۵	۰/۲۵	۰/۱۹*	۰/۱۸*	-۰/۱۳		
سرمایه‌های	زن ۱۰۹/۱۶	۱۴/۸۵	-۰/۲۹	-۰/۲۴	-۰/۱۰	-۰/۵۰**	۰/۶۲**	-۰/۱۵	
روان‌شناختی	مرد ۱۰۵/۹۱	۱۵/۶۴	-۰/۱۵	-۰/۵۲	-۰/۱۳	-۰/۴۲**	۰/۵۶**	-۰/۰۱	

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقادیر چولگی و همچنین کشیدگی همه متغیرها در دامنه ± 1 قرار دارد و نشان می‌دهد که این متغیرها از توزیع نرمالی برخوردارند. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱ گزارش شده است که طبق آن، همبستگی بین خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و آسیب‌پذیر در زنان $r=0/69$ و در مردان $r=0/67$ است ($p<0/001$)؛ همبستگی میان عزت نفس و خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در زنان $r=0/22$ و در مردان $r=-0/52$ است ($p<0/001$)؛ همبستگی میان عزت نفس و خودشیفتگی آسیب‌پذیر در زنان $r=-0/53$ و در مردان $r=-0/39$ است ($p<0/001$)؛ همبستگی میان آگاهی از تن‌شی‌انگاری و خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در زنان $r=0/37$ ($p<0/001$) و در مردان $r=0/19$ ($p<0/05$) است و همبستگی میان آگاهی از تن‌شی‌انگاری و خودشیفتگی آسیب‌پذیر در زنان $r=0/39$ ($p<0/001$) و در مردان $r=0/18$ ($p<0/05$) است. همچنین همبستگی میان سرمایه‌های روان‌شناختی و خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در هیچ یک از گروه‌های زن و مرد معنی‌دار نشد ($p>0/05$)، اما همبستگی سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی آسیب‌پذیر در زنان $r=-0/50$ و در مردان $r=-0/42$ به دست آمد ($p<0/001$). علاوه بر این، همبستگی میان آگاهی از تن‌شی‌انگاری و عزت نفس در زنان $r=-0/26$ بود

($p<0/001$)، اما در مردان معنادار نبود ($p>0/05$). همچنین همبستگی میان سرمایه‌های روان‌شناختی و عزت نفس در زنان $r=0/62$ و در مردان $r=0/56$ به دست آمد ($p<0/001$). افزون بر این، همبستگی میان دو متغیر پیش‌بین، یعنی سرمایه‌های روان‌شناختی و آگاهی از تن‌شی‌انگاری در زنان $r=-0/15$ و در مردان $r=-0/01$ به دست آمد و در هر دو گروه غیر معنادار بود ($p>0/05$). از این رو نظر به اینکه ضریب همبستگی میان متغیرهای پیش‌بین در هر دو گروه زنان و مردان بسیار پایین و غیر معنادار است، مفروضه هم‌خطی رعایت شده است.

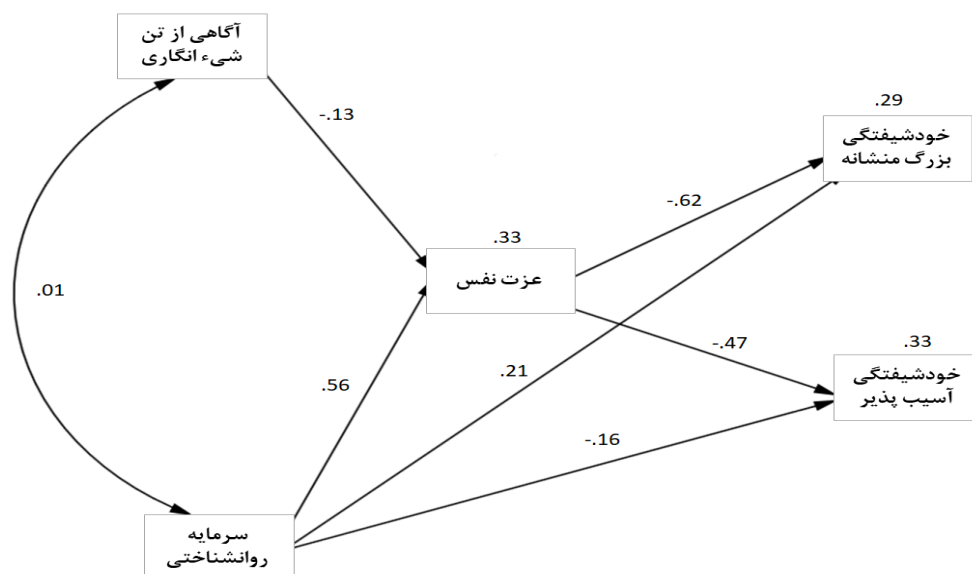
در ادامه، به ارزیابی برازش الگوی مفهومی پژوهش در هر دو گروه پرداخته شده است. لازم به ذکر است که در ارزیابی الگوی مفهومی اولیه با توجه به اینکه مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و نیز مسیر عزت نفس به سمت خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در گروه زنان و همچنین مسیر آگاهی از تن‌شی‌انگاری به سمت خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و نیز مسیر آگاهی از تن‌شی‌انگاری به سمت خودشیفتگی آسیب‌پذیر در گروه مردان معنادار نبود ($p>0/05$) و موجب تضعیف برازش الگو در گروه زنان و مردان می‌گردید، از الگو حذف شدند و الگوی اصلاح‌شده در هر دو گروه مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت.



شکل ۲: الگوی اصلاح‌شده گروه زنان در حالت ضرایب استاندارد

بزرگ‌منشانه معنی‌دار نشد. ضریب استاندارد عزت نفس به سمت خودشیفتگی آسیب‌پذیر، $-0/19$ شد ($p < 0/002$)، اما مسیر عزت نفس به سمت خودشیفتگی بزرگ‌منشانه معنی‌دار نشد. طبق نتایج این الگو، ۴۱ درصد از واریانس عزت نفس زنان توسط آگاهی از تن‌شیء‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی تبیین شد. همچنین در حدود ۱۴ درصد از واریانس خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و ۳۶ درصد از واریانس خودشیفتگی آسیب‌پذیر در زنان توسط الگوی حاضر تبیین شد.

طبق شکل ۲، در گروه زنان، ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن‌شیء‌انگاری به سمت عزت نفس، $-0/18$ ($p < 0/004$) و برای مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت عزت نفس، $0/56$ ($p < 0/001$) به دست آمد. همچنین ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن‌شیء‌انگاری به سمت خودشیفتگی بزرگ‌منشانه، $0/37$ ($p = 0/001$) و به سمت خودشیفتگی آسیب‌پذیر، $0/30$ ($p < 0/001$)، ضریب استاندارد مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت خودشیفتگی آسیب‌پذیر، $-0/32$ بود ($p = 0/001$)، اما مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت خودشیفتگی



شکل ۳: الگوی اصلاح‌شده گروه مردان در حالت ضرایب استاندارد

طبق شکل ۳، در گروه مردان، ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن‌شیء‌انگاری به سمت عزت نفس، -0.13 ($p < 0.048$) و برای مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت عزت نفس، 0.56 ($p < 0.001$) به دست آمد. ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن‌شیء‌انگاری به سمت هیچ یک از دو متغیر خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر معنادار نشد. ضریب استاندارد مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت خودشیفتگی آسیب‌پذیر، -0.47 ($p = 0.045$) و به سمت خودشیفتگی بزرگ منشانه، -0.16 ($p < 0.011$) شد. ضریب

استاندارد مسیر عزت نفس به سمت خودشیفتگی آسیب‌پذیر، -0.47 ($p < 0.001$) و به سمت خودشیفتگی بزرگ‌منشانه، -0.16 ($p < 0.001$) شد. طبق نتایج این الگو، ۳۳ درصد از واریانس عزت نفس مردان توسط آگاهی از تن‌شیء‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی تبیین شد. همچنین در حدود ۲۹ درصد از واریانس خودشیفتگی بزرگ‌منشانه مردان و ۳۳ درصد از واریانس خودشیفتگی آسیب‌پذیر در آنان توسط الگوی حاضر تبیین شد.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل‌های اصلاح‌شده

گروه	CMIN	DF	CMIN/DF	RMSEA	CFI	GFI	NFI	RFI	TLI
زن	۳/۵۰	۲	۱/۷۵	۰/۰۶۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۷
مردان	۳/۵۱	۲	۱/۷۶	۰/۰۷۱	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۳	۰/۹۷

طبق جدول ۲، مقادیر همه شاخص‌های برازش در هر دو گروه زنان و مردان در دامنه قابل قبول به دست آمد که نشان می‌دهد الگوی حاضر در هر دو گروه از برازش مطلوبی

برخوردار است. در ادامه، نتایج حاصل از ارزیابی روابط میانجی با استفاده از روش بوت‌استرپ قابل مشاهده است (جدول ۳).

جدول ۳: ارزیابی اثرات میانجی به روش بوت‌استرپ در دو گروه زنان و مردان

گروه	پیش‌بین	میانجی	ملاک	ضریب استاندارد	خطا	حد پایین	حد بالا	معناداری
زنان	آگاهی از تن‌شی‌انگاری	عزت نفس	خودشیفتگی آسیب‌پذیر	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۰۳
	سرمایه‌های روان‌شناختی	عزت نفس	خودشیفتگی آسیب‌پذیر	-۰/۱۱	۰/۰۴	-۰/۱۹	-۰/۰۴	۰/۰۰۳
مردان	آگاهی از تن‌شی‌انگاری	عزت نفس	خودشیفتگی بزرگ‌منشانه	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۰۱۷
	سرمایه‌های روان‌شناختی	عزت نفس	خودشیفتگی بزرگ‌منشانه	-۰/۳۶	۰/۰۶	-۰/۴۸	-۰/۲۴	۰/۰۰۲
	آگاهی از تن‌شی‌انگاری	عزت نفس	خودشیفتگی آسیب‌پذیر	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۱۳	۰/۰۱۷
	سرمایه‌های روان‌شناختی	عزت نفس	خودشیفتگی آسیب‌پذیر	-۰/۲۶	۰/۰۵	-۰/۳۵	-۰/۱۷	۰/۰۰۲

طبق نتایج جدول ۳، نتایج آزمون بوت‌استرپ نشان داد که در گروه زنان متغیر عزت نفس رابطه میان آگاهی از تن‌شی‌انگاری و خودشیفتگی آسیب‌پذیر ($p < ۰/۰۰۳$) و نیز رابطه میان سرمایه‌های روان‌شناختی و خودشیفتگی آسیب‌پذیر ($p < ۰/۰۰۳$) را به طور معنی‌داری میانجی می‌کند. همچنین در گروه مردان متغیر عزت نفس اثر علی آگاهی از تن‌شی‌انگاری بر هر دو متغیر خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر ($p < ۰/۰۱۷$) و نیز اثر علی سرمایه‌های روان‌شناختی بر هر دو متغیر خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر ($p < ۰/۰۰۲$) را به طور معنی‌داری میانجی می‌کند.

به علاوه، برای ارزیابی نقش تعدیلگر جنسیت صرفاً مسیرهایی مورد ارزیابی قرار گرفت که در هر دو الگو اصلاح‌شده زنان و مردان حضور داشتند، زیرا برای اینکه بتوان اثر تعدیلگر جنسیت بر یک مسیر معین را ارزیابی کرد، لازم است آن مسیر معین در الگوی اصلاح‌شده هر دو گروه زنان و مردان دارای مقدار باشد تا بتوان نیرومندی مقدار آن مسیر را در میان دو گروه مقایسه کرد. نتایج ارزیابی اثر تعدیلگر در جدول ۴ قابل مشاهده است.

جدول ۴: نتایج ارزیابی اثر تعدیلگر جنسیت بر روابط میان متغیرها در مدل اصلاح‌شده

مسیر	مقدار بحرانی	معناداری
آگاهی از تن‌شی‌انگاری $\leftarrow$ عزت نفس	۰/۲۰	۰/۸۴۰
سرمایه‌های روان‌شناختی $\leftarrow$ عزت نفس	۰/۱۳	۰/۸۹۶
سرمایه‌های روان‌شناختی $\leftarrow$ خودشیفتگی آسیب‌پذیر	۱/۷۰	۰/۰۹۰
عزت نفس $\leftarrow$ خودشیفتگی آسیب‌پذیر	۳/۰۵	۰/۰۰۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر جنسیت نتوانست اثر علی آگاهی از تن‌شی‌انگاری بر عزت نفس ($p > ۰/۰۵$)، اثر علی سرمایه‌های روان‌شناختی بر عزت نفس ($t = ۰/۲۰$)، اثر علی سرمایه‌های روان‌شناختی بر خودشیفتگی آسیب‌پذیر ($t = ۰/۱۳$) و اثر علی سرمایه‌های روان‌شناختی بر خودشیفتگی آسیب‌پذیر ($t = ۱/۷۰$) را تعدیل کند. با

این حال، جنسیت اثر علی عزت نفس بر خودشیفتگی آسیب‌پذیر را به طور معنی‌داری تعدیل کرد ($p < ۰/۰۵$)، $t = ۳/۰۵$ ، بدین‌صورت که عزت نفس در مردان اثر علی نیرومندتری بر خودشیفتگی آسیب‌پذیر دارد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی ساختاری خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر بر اساس آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با میانجیگری عزت نفس در زنان و مردان شهر اهواز انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد تمام مسیرهای مستقیم در گروه زنان معنادار شدند؛ مسیرهای غیر مستقیم نیز از طریق عزت نفس با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر، خودشیفتگی بزرگ‌منشانه معنادار نشد. همچنین نتایج این پژوهش در گروه مردان نشان داد تمام مسیرهای مستقیم به جز آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر معنادار شدند؛ و مسیرهای غیر مستقیم نیز از طریق عزت نفس با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر معنادار شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی ارائه‌شده، از برازش مطلوبی در هر دو گروه مردان و زنان برخوردار بود.

اولین یافته پژوهش نشان داد بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در گروه زنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های پیشین بوریس و جیویا (Boursier & Gioia) (۱۶) و باباپور، حشمتی و نویدپور (۱۷) که بیانگر رابطه آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه است، همسو می‌باشد، در صورتی که در گروه مردان رابطه بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه معنادار نشد و این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین رمضانی و همکاران (۱۸) ناهمسو و ناهمانگ می‌باشد. در واقع در این پژوهش بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در گروه مردان رابطه منفی معنادار وجود دارد، اما به صورت غیر مستقیم.

دومین یافته پژوهش نشان داد بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی آسیب‌پذیر در گروه زنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج باباپور، حشمتی و نویدان‌فر که نشان دادند تمام زیرمقیاس‌های خودشی‌انگاری، خودشیفتگی آسیب‌پذیر را پیش‌بینی می‌کند (۱۷) همسو است.

در تبیین یافته اول و دوم می‌توان اظهار داشت همانطور که نتایج پژوهش‌های داخلی، رمضانی، جوهری فرد و باوی (۱۸)، باباپور، حشمتی و نویدان‌فر (۱۷)، اقرلو و همکاران (۱۳) و پژوهش‌های خارجی بوریس و مانا (Boursier & Manna) (۱۴-۱۵) نشان دادند، بین خودشیفتگی با خودشی‌انگاری و زیرمقیاس‌های آن رابطه وجود دارد. همچنین از نظر آماری تفاوت‌های جنسیتی قابل توجهی در مورد آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی مرضی کمتر گزارش شده، به خصوص در جامعه ایرانی و به ویژه در گروه مردان هیچ گزارشی نشده که در پژوهش حاضر مشاهده شد رابطه آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر در گروه زنان مثبت و معنادار می‌باشد، در صورتی که در گروه مردان معنادار نیست. این‌گونه به نظر می‌رسد که این نتیجه با نظریه آگاهی از تن‌شی‌انگاری مک کینلی و هاید که بر اساس این فرض اساسی است که زنان، بیش از مردان، ویژگی‌های درونی دارند و این باور که آن‌ها مسئول ظاهر فیزیکی خود هستند و اینکه آن‌ها می‌توانند با تلاش کافی، مطابق با استانداردهای فرهنگی این باورها را کنترل کنند، متناسب است (۱۲). بنابراین بر اساس نتایج پژوهش حاضر، زنانی که خود را بیشتر به مثابه یک شیء می‌انگارند، افراد را مسئول نگاه بدنی خود می‌دانند و مدام در تلاش هستند تا ظاهر جسمی خود را کنترل کنند تا از قضاوت‌های منفی جلوگیری نموده و مطابق با استانداردهای فرهنگی خود را ارائه نمایند؛ اینان، بیشتر در معرض مشکلات روان‌شناختی، از جمله خودشیفتگی می‌باشند. همچنین در پژوهش حاضر نشان داده شد که آگاهی از تن‌شی‌انگاری رابطه بیشتری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه داشت (شکل ۲).

سومین یافته پژوهش نشان داد بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با عزت نفس در گروه زنان و مردان رابطه منفی و معنادار وجود دارد، به این معنا که هرچه فرد میزان بالاتری خودشی‌انگاری داشته باشد، عزت نفس کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های داخلی علاء‌دین و حسن‌نژاد (۲۸)، افلاک‌سیر و ابراهیمی (۲۹) و پژوهش‌های خارجی گریو و هلمیک

(Grieve & Helmick) (۳۰)، داونز (Downs) و همکاران (۳۱) همسو و هماهنگ می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه بیان نمود که فرد بر اساس ظاهر بدنی خود را مورد قضاوت قرار می‌دهد، ظاهر خویش را محور خودپنداره قرار داده و مدام ارزیابی می‌کند و ارزش خود را وابسته به ظاهر بدنی می‌پندارد، در حالی که اگر عزت نفس فرد بالا باشد، ارزشمندی خویش را وابسته به ظاهر بدنی نمی‌پندارد و به عوامل مختلفی دیگری به جزء بدن استناد می‌دهد. بنابراین عزت نفس بالا می‌تواند منبع مفیدی برای کمک به افراد باشد تا خودشی‌انگاری را مدیریت کرده یا حتی از تجربه آن جلوگیری کنند.

چهارمین یافته پژوهش نشان داد بین سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه در گروه زنان رابطه معناداری وجود ندارد، در صورتی که این رابطه در گروه مردان معنادار شد.

پنجمین یافته پژوهش نشان داد بین سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی آسیب‌پذیر در گروه زنان و مردان رابطه منفی و معنادار وجود دارد، به این معنا که با افزایش خودشیفتگی آسیب‌پذیر می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌های روان‌شناختی (امیدواری، خوشبینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی) در فرد کاهش یابد. در جستجوی پیشینه، پژوهشی جهت مقایسه با این یافته‌های پژوهش حاضر که به طور اخص به مطالعه رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و خودشیفتگی آسیب‌پذیر بپردازد، در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. با این حال نتایج یافته‌های فوق با پژوهش داخلی گلپور و خبازان که نشان دادند شخصیت خودشیفته به طور مستقیم و غیر مستقیم موجب تضعیف سرمایه روان‌شناختی در افراد می‌شود (۲۵) و نیز نتایج پژوهش‌های خارجی سبیر (Sabir) و همکاران که نشان دادند اختلال شخصیت خودشیفتگی ارتباط منفی و معناداری با سرمایه روان‌شناختی دارد (۲۳)، قابل توضیح است. همچنین ارخوتلو نیز در پژوهش خود اثر تعدیل‌کننده سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی را نشان داد (۲۴)؛ لذا می‌توان گفت این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین به نوعی هماهنگ بوده است. در تبیین این یافته‌ها

می‌توان اظهار داشت افراد خودشیفته در سطح عوامل روان‌شناختی همچون خودکارآمدی، امیدواری و موارد این چنین فاقد بنیان‌های مستحکم روانی می‌باشند. از طرف دیگر افراد خودشیفته به دلایل خودبزرگ بینی و فقدان همدلی با دیگران، چندان بازخوردهای مثبتی از دیگران دریافت نمی‌کنند که این امر به نوبه خود به تضعیف سرمایه روان‌شناختی افراد خودشیفته منتهی می‌شود. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیت خودشیفته می‌تواند تهدیدی برای سرمایه‌های روان‌شناختی افراد محسوب شود.

یافته ششم پژوهش نشان داد بین سرمایه‌های روان‌شناختی با عزت نفس در گروه زنان و مردان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج حمید (Hameed) و همکاران (۳۲) که نشان دادند رابطه مثبت و معناداری بین عزت نفس و سرمایه‌های روان‌شناختی وجود دارد، همسو و هماهنگ می‌باشد. همانطور که در شکل ۲ و ۳ مشاهده می‌شود، مسیر سرمایه‌های روان‌شناختی به سمت عزت نفس تنها مسیری است که در این پژوهش دارای ضریب یکسان $0/56$ ($p < 0/001$) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان اظهار نمود که هرچه سطح عوامل روان‌شناختی همچون امیدواری، خوشبینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی در افراد بالاتر باشد، عزت نفس نیز افزایش می‌یابد. بنابراین با سرمایه‌گذاری بر تقویت سرمایه‌های روان‌شناختی، افراد می‌توانند عزت نفس بیشتری داشته باشند.

یافته هفتم پژوهش نشان داد عزت نفس به طور غیر مستقیم رابطه منفی و معنادار بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه را در گروه مردان میانجی می‌کند، اما در گروه زنان این امر معنادار نشد. همچنین عزت نفس به طور غیر مستقیم رابطه منفی و معنادار بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی آسیب‌پذیر را در گروه مردان و زنان میانجی می‌کند. با جستجوی پیشینه، مطالعه دیگری جهت مقایسه با این یافته‌ها در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. در تبیین این یافته‌ها همانطور که پیش‌تر اشاره شد، در مسیر آگاهی از تن‌شی‌انگاری و عزت نفس رابطه منفی و معنادار

وجود دارد، به این معنا که افزایش خودشیفتگی منجر به کاهش عزت نفس می‌شود. همچنین افزایش خودشیفتگی با افزایش خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و آسیب‌پذیر همراه می‌باشد (۱۷). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عزت نفس به درستی توانسته در همبستگی بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و آسیب‌پذیر نقش میانجی را ایفا کند.

یافته هشتم پژوهش نشان داد عزت نفس به طور غیر مستقیم رابطه منفی و معنادار بین سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه را در گروه مردان میانجی می‌کند، اما در گروه زنان این مورد، معنادار نشد. همچنین عزت نفس به طور غیر مستقیم رابطه منفی و معنادار بین سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی آسیب‌پذیر را در گروه مردان و زنان میانجی می‌کند. با جستجوی پیشینه، مطالعه دیگری جهت مقایسه با این یافته‌ها در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. در تبیین این یافته‌ها می‌توان اظهار داشت با افزایش سرمایه‌های روان‌شناختی عزت نفس نیز افزایش می‌یابد (۳۳)، اما مسیر عزت نفس به خودشیفتگی دارای رابطه منفی می‌باشد، به این معنا که هرچه فرد ویژگی‌های پررنگ‌تری از خودشیفتگی را دارا باشد، عزت نفس کاهش می‌یابد (۲۷). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عزت نفس به درستی توانسته در همبستگی بین سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و آسیب‌پذیر نقش میانجی را ایفا کند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد، عزت نفس نقش واسطه‌ای در همبستگی بین آگاهی از تن‌شی‌انگاری و سرمایه‌های روان‌شناختی با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه و آسیب‌پذیر در گروه مردان ایفا می‌نماید، اما در گروه زنان مسیر عزت نفس به خودشیفتگی بزرگ‌منشانه معنادار نشد. از این رو با تقویت عزت نفس، سرمایه‌های روان‌شناختی نیز افزایش یافته و خودشیفتگی کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان خودشیفتگی

افراد را کنترل نمود. نتایج تحقیق حاضر در خصوص زنان و مردانی که ظاهر خویش را محور خودپنداره قرار داده، مدام ارزیابی نموده و استانداردهای ایده‌آل ظاهر و اندام زیبا در جامعه را به عنوان ملاک‌های زیبایی پذیرفته و آن‌ها را درونی کرده‌اند، حائز اهمیت است، زیرا تن‌شی‌انگاری در این افراد در مواجهه با این استانداردها، به خصوص هنگامی که خویش را برای دستیابی به استانداردهای ایده‌آل ناکام می‌بینند، افزایش یافته و برجسته می‌شود. زنان و مردان با عزت نفس پایین، درباره بدنشان قضاوت‌های منفی و شرم از بدن داشته و باور دارند دیگران مسئول نگاه بدن آن‌ها هستند، لذا این افراد بیشتر در معرض مشکلات روان‌شناختی، از جمله خودشیفتگی می‌باشند. بنابراین با افزایش عزت نفس و سرمایه‌های روان‌شناختی (امیدواری، خوشبینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی) برای زنان و مردان می‌توان خودشیفتگی را کنترل نمود تا از تن‌شی‌انگاری جلوگیری کند یا پیامدهای رفتاری منفی مرتبط به آن را کنترل نماید. از سوی دیگر، این نتایج می‌تواند برای متخصصان بالینی و روان‌پزشکان در درمان اختلال شخصیت خودشیفته و اختلالات مرتبط به تصویر بدن، تلویحات کاربردی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که روان‌شناسان و سایر ارائه‌دهندگان خدمات سلامت با تدوین برنامه‌های درمانی با توجه به متغیرهای ذکرشده با عوامل خودشیفتگی و تن‌شی‌انگاری مقابله نموده و بر روی تقویت عزت نفس و سرمایه‌های روان‌شناختی تمرکز کنند.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بوده است، از جمله محدود شدن جامعه پژوهش به زنان و مردان شهر اهواز که تعمیم نتایج را به سایر شهرها محدود می‌سازد؛ نمونه‌گیری نیز آنلاین و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه خودگزارشی انجام شد که ممکن است در اطلاعات به دست آمده سوگیری ایجاد کرده باشد.

مشارکت نویسندگان

سارا رضانی سولگانی: نگارش مقاله، تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، گردآوری منابع.

رضا جوهری فرد و ساسان باوی: نظارت، راهنمایی و مشاوره در تدوین مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

تحقیق حاضر از سوی کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به تأیید رسیده است (کد کمیته اخلاق: IR.IAU.AHVAVAZ.REC.1400.036).

اطلاعات جامع در رابطه با دلایل تحقیق، نتایج، حفظ محرمانگی و نحوه انجام تحقیق به افراد داده شد و رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان اخذ گردید.

References

1. Arjmand S, Mirzahoseini H, Zargham Hajebi M. Comparison of self-esteem and interpersonal problems of medical students with maladaptive narcissism, adaptive narcissism and normal. *Scientific Journal of Social Psychology*. 2021; 9(59): 143-160. [Persian]
2. Ruiz P. Comprehensive textbook of psychiatry. Edited by Sadock BJ, Sadock VA. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2000.
3. Weiss B, Miller JD. Distinguishing between grandiose narcissism, vulnerable narcissism and narcissistic personality disorder. In *Handbook of trait narcissism*. Cham: Springer International Publishing AG; 2018. p.3-13.
4. Wink P. Two faces of narcissism. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1991; 61(4): 590-597.
5. Pincus AL, Lukowitsky MR. Pathological narcissism and narcissistic personality disorder. *Annual Review of Clinical Psychology*. 2010; 6(1): 421-446.
6. Dickinson KA, Pincus AL. Interpersonal analysis of grandiose and vulnerable narcissism. *Journal of Personality Disorders*. 2003; 17(3): 188-207.
7. Boursier V, Gioia F, Griffiths MD. Selfie-engagement on Social Media: Pathological narcissism, Positive expectation and Body objectification - Which is more Influential? *Addictive Behaviors Reports*. 2020; 1(11): 1-10.
8. Khakbaz S, Safarinia M, Akhoondi N. The relationship between body self-objectification and psychological well-being and the mediation of sexual self-esteem in women referring to beauty clinics in Tehran. Kish: Payame Noor University of Hormozgan Province, Kish International Payame Noor Center; 2016. [Persian]
9. Fredrickson BL, Roberts TA. Objectification Theory: Toward understanding Women's lived experiences and mental health risks. *Psychology of Women Quarterly*. 1997; 21(2): 173-206.
10. Dryden C, Anderson J. The dark triad, trait-based self-objectification and body image concerns in young women. *Personality and Individual Differences*. 2019; 145: 1-8.
11. Roberts TA, Calogero RM, Gervais SJ. Objectification theory: Continuing contributions to feminist psychology. Edited by Travis CB, White JW, Rutherford A, Williams WS, Cook SL, Wyche KF. APA Handbook of the Psychology of Women: History, Theory and Battlegrounds. American Psychological Association. 2018; 249-271.
12. McKinley NM, Hyde JS. The objectified body consciousness scale: Development and validation. *Psychology of Women Quarterly*. 1996; 20(2): 181-215.
13. Aqrloo M, Safarinia M, Alipour A. The Relationship between Narcissism with Self-Objectification and Sexual Self-Esteem in Married Female Students of Payame Noor University of Kish. Thesis Submitted for the Award of Master of M.A. in Psychology. Kish: Payame Noor University of Hormozgan Province, Kish International Payame Noor Center; 2017. [Persian]
14. Boursier V, Manna V. Selfie expectancies among adolescents: Construction and validation of an instrument to assess expectancies toward selfies among boys and girls. *Frontiers in Psychology*. 2018; 9: Article 839.
15. Boursier V, Manna V. Relational body identities: body image control through self-portraits: A revision of the body image control in photos questionnaire. In *Intimacy and Developing Personal Relationships in the Virtual World*. Edited by Gopalan RT. Hershey, PA: IGI Global; 2019. p.40-63.
16. Boursier V, Gioia F. Women's pathological narcissism and its relationship with social appearance anxiety: The mediating role of body shame. *Clinical Neuropsychiatry. Journal of Treatment Evaluation*. 2020; 17(3): 164-174.
17. Babapour J, Heshmati R, Navidanfar P. The relationship between self-discrepancy, self-objectification and body image with grandiose narcissism and vulnerable narcissism in Female students. Thesis Submitted for the Award of Master of M.A. in Psychology. Tabriz: Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz; 2020. [Persian]
18. Ramezani Solegani S, Johari Fard R, Bavi S. Pattern of Structural Equations of Pathological Narcissism Based on Knowledge of Objectivism and Harmful use of Social Networks Mediated by Beliefs about Appearance in Women and Men. *JHPM*. 2022; 11(4): 36-51. [Persian]
19. Karsay K, Knoll J, Matthes J. Sexualizing Media Use and Self-objectification: A Meta-analysis. *Psychology of Women Quarterly*. 2018; 42(1): 9-28.

20. Luthans F, Avolio BJ, Avey JB, Norman SM. Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology*. 2007; 60(3): 541-572.
21. Tavakoli M, Faraji Khiavi F, Salimi Jeda V, Majdinasab N, Haghighi Zadeh M. The Relationship between Psychological Capitals and Disease Perception in People with MS. *Research in Psychological Health*. 2016; 10(1): 12-20. [Persian]
22. Wright TA, Quick JC. The emerging positive agenda in organizations: Greater than a trickle, but not yet a deluge. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*. 2009; 30(2): 147-159.
23. Sabir I, Hussain S, Majid MB, Rehman AU, Sarwar A, Nawaz F. Impact of narcissistic personality disorder on cognitive organizational cynicism with mediating role of psychological capital in selected hospitals of Punjab Pakistan. *Future Business Journal*. 2020; 6(1): 1-6.
24. Erkutlu H. Exploring the moderating effect of psychological capital on the relationship between narcissism and psychological well-being. *Procedia-Social and behavioral sciences*. 2014; 150(110): 48-56.
25. Golparvar M, Khabazian B. The Relationship between narcissistic personality and vulnerable attachment with bullying and psychological capital. *Clinical Psychology & Personality*. 2016; 13(2): 139-148. [Persian]
26. Rosenberg M. Rosenberg self-esteem scale (RSE). Acceptance and commitment therapy. *Measures Package*. 1965; 61(52): 18.
27. Grieve R, March E, Watkinson J. Inauthentic self-presentation on facebook as a function of vulnerable narcissism and lower self-esteem. *Computers in Human Behavior*. 2020; 102: 144-150.
28. Alaedinie Z, Hasannejad S. The Effects of Self-esteem, Self-objectification and Appearance Schemas on Clothing Choice Style: Examining the Structural Model. *Journal of Applied Psychological Research*. 2020; 11(3): 169-178. [Persian]
29. Aflakseir A, Ebrahimi F. Self-objectification and its relationship with depression and self-esteem in a group of female students of Shiraz University. *Psychological Studies of Women*. 2014; 12(1): 31-44. [Persian]
30. Grieve R, Helmick A. The influence of men's self-objectification on the drive for muscularity: Self-esteem, body satisfaction and muscle dysmorphia. *International Journal of Men's Health*. 2008; 7(3): 288-298.
31. Downs DM, James S, Cowan G. Body objectification, self-esteem and relationship satisfaction: A comparison of exotic dancers and college women. *Sex Roles*. 2006; 54(11): 745-752.
32. Hameed S, Bano S, Ahmed J. The Effects of Self-esteem, Social Capital and Psychological Capital on Job Satisfaction with Mediating Role of Social Capital. *Journal of Managerial Sciences*. 2022; 16(1): 19-38.
33. Pincus AL, Ansell EB, Pimentel CA, Cain NM, Wright AG, Levy KN. Initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological Assessment*. 2009; 21(3): 365-379.
34. Torshabi M, Rasoolzade Tabatabaei K, Besharat M, Asgari A. Investigation of Reliability and Factor Structure of the Persian Version of Pathological Narcissism Inventory. *Educational Measurement Allameh Tabataba'i University*. 2016; 2(6): 115-134. [Persian]
35. Naemi A. The relationship between self-objectification with resilience and self-compassion of female students (Case Study: Islamic Azad University of Sabzevar). *Woman in Development and Politics*. 2016; 14(1): 125-139. [Persian]
36. Huis EM, Vingerhoets AJ, Denollet J. Attachment style and self-esteem: The mediating role of Type D personality. *Personality and Individual Differences*. 2011; 50(7): 1099-1103.
37. Shokraneh E, Neshatdoost H, Abedi M, Talebi H. The Effect of Motivational Interviewing on Body Mass Index and Self-Esteem in Obese Girl Children. *J Res Behav Sci*. 2017; 15(3): 277-84. [Persian]